



## مجلس هشتم

# پلی برای ریاست جمهوری دهم



مهران موسوی خوانساری

در حالی که هنوز ۴ ماه تا برگزاری هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی زمان باقی مانده است، اما به نظر می‌رسد که از هم اکنون رقابت بر سر کسب کرسی‌های مجلس وارد مرحله‌ی تازه‌ای شده باشد، چرا که آنچه از موضع‌گیری‌ها و صف‌بندی‌های ماه‌های اخیر احزاب سیاسی کشور در قبال مسایل گوناگون استنباط می‌شود، بیشتر در جهت باور این نکته است که گویا قرار شده ابراز این مواضع و گفته‌ها از جانب احزاب، در نهایت منتج به کسب کرسی‌های بیشتر توسط آنها در مجلس شورای اسلامی گردد تا چیز دیگری. این موضوع بخصوص آنجا نمود می‌یابد که بدانیم گروه‌های سیاسی و بخصوص احزاب طیف اصلاح طلب کشور بدون توجه به زمان نسبتاً طولانی باقی مانده تا برگزاری انتخابات و نیز با عبور از موضوع مهمی چون نقش شورای نگهبان در رد یا تایید احتمالی صلاحیت کاندیداهای مورد حمایت آنها، حتی سرلیست‌های انتخاباتی خود را نیز به جامعه معرفی کرده‌اند. امر مهمی که حساسیت فراوان این گروه‌ها را به منظور حضور قطعی در مجلس آینده آشکارا به اثبات می‌رساند.

آنچه مشخص است اینکه اصلاح طلبان که پیش از این در چند انتخابات گذشته طعم تلخ عدم تایید نامزدهای مورد حمایت خود را توسط مردم



چشیده بودند، اینک با امید به اعتماد دوباره‌ی مردم، تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا بلکه با برخورداری از اقلیتی قدرتمند و تاثیرگذار در مجلس هشتم، چشم به جایگاه دهم ریاست جمهوری بدوزند. در این میان آنچه عزم اصلاح طلبان را برای رسیدن دوباره به لایه‌های فوقانی قدرت جزم کرده است، پیروزی نسبی آنها در انتخابات پیشین شوراهای محلی است که موجب شد تا حامیان دولت نهم نتوانند آن گونه که باید جایگاه خود را در آنجا محکم کنند. حال با توجه به همین موضوع، احزاب اصلاح طلب امیدوارند

بتوانند اتفاقات رخ داده در مورد شوراهای را به طور گسترده‌تر در انتخابات مجلس نیز تکرار کنند تا با امید بیشتری به پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آینده دل خوش نمایند. در این راستا و براساس همین دیدگاه است که سه روحانی شاخصی که هر یک در حال حاضر رهبری بخشی از گروه‌های اصلاح طلب را بر عهده گرفته‌اند با فراموشی ضمنی آنچه در گذشته پیرامون احوالات هر کدام یا تقابلشان با یکدیگر وجود داشته است، اینک به انحاء مختلف بر حضور پررنگ مردم در صحنه انتخابات تاکید کرده

## شاید این طنزی تلخ باشد که همان اصلاح طلبانی که زمانی تمام راه های ممکن را به جهت راه نیافتن هاشمی رفسنجانی به مجلس هشتم می آزمودند، حال باید او را در قامت اصلی ترین ناجی خود به قصد حضور در مجلس هشتم تلقی کرده و به حمایت های وی در این خصوص دل بندند

و از طرفی دولت را هم مکلف به تضمین سلامتی این رای گیری می کنند. هر چه باشد ایشان نیز دریافته اند که پیروزی در انتخابات مجلس تنها می تواند از جاده اتحاد و اعتدال بگذرد تا آنگاه مردم نیز با پذیرش چنین پیش زمینه ای به حضور اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری روی خوش نشان دهند. اگرچه به جز دغدغه حضور مردم بر سر صندوق های رای، دل نگرانی از شیوه عملکرد دولت در جهت برگزاری یک انتخابات سالم و توأم با رعایت اصول برابر نیز همیشه نمود آشکاری در سخنان این رهبران جنبش اصلاحی داشته است.

بر این مینا سید محمد خاتمی، رییس جمهور پیشین و عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز ضمن سفر به شهرهای مختلف کشور، با حضور در تجمعات مردمی به نوعی در صدد بازگرداندن اعتماد از دست رفته جامعه به اصلاح طلبان است. آن چنان که اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و پدر معنوی حزب کارگزاران سازندگی - از جریان اصلی اصلاح طلب - نیز در تمام ماه های گذشته به همان هدف پیشین، در بیان مواضع انتخاباتی خود به نفع اصلاح طلبان کوتاهی نکرده است تا توصیه های انتخاباتی او به مسوولین اجرایی کشور نیز در همین راستا قلمداد گردد. اما به جز این دو نفر، مهدی کروبی، رییس پیشین مجلس شورای اسلامی و رهبر حزب اعتماد ملی نیز این بار در کسوتی جدید و البته به یاری سخنگویان متعدد حزب منشعب شده خود از جریان مجمع روحانیون

مبارز، همچنان بر دیدگاه های چپ گرایانه و صریح خویش پیرامون اهمیت پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات پیش رو تاکید می کند تا در ظاهر همه چیز به سود اصلاح طلبان پیش رفته باشد. البته این سه رهبر شاخص جنبش اصلاحات، خود به خوبی بر این امر واقفند که پیروزی در انتخابات مجلس هشتم چندان سهل الوصول نخواهد بود. چرا که قدرت رقیب و اختلاف با رفیق می تواند از اصلی ترین موانع پیش روی آنها به حساب آید، اگرچه از این نکته هم نباید گذشت که تاثیر گذاری دیدگاه ها و عملکرد این سه نفر در نتایج آراء، بدون تردید قابل چشم پوشی نیست.

### هاشمی رفسنجانی از تخریب تا حمایت

شاید این طنزی تلخ باشد که همان اصلاح طلبانی که زمانی تمام راه های ممکن را به جهت راه نیافتن هاشمی رفسنجانی به مجلس هشتم می آزمودند، حال باید او را در قامت اصلی ترین ناجی خود به قصد حضور در مجلس هشتم تلقی کرده و به حمایت های وی در این خصوص دل بندند. بدون شک اگر گروه های اصلاح طلب می پنداشتند که تنها ظرف ۸ سال باید در قبال هاشمی رفسنجانی این چنین چرخش آشکاری در سیاست های خود دهند، آنگاه حتما پاییز ۱۳۷۸ را نه با زیر سوال بردن او که به صورتی دیگر آغاز می کردند. اتفاقی که رخ نداد تا با تحولات غیر قابل پیش بینی که از آن زمان تاکنون

به وقوع پیوسته است، اینک آن شخصیت تخریب شده پاییز ۸ سال پیش به عنوان یکی از اصلی ترین محورهای اصلاحات معرفی گردد. اگر چه در بیان دیدگاه های هاشمی (در آن زمان یا حال) چندان تجانسی با نظرات رهبران اصلی جنبش اصلاحی کشور مشاهده نمی شود، اما هم او و هم اصلاح طلبان به درستی بر نقش مثبت اجرای سیاست های اعتدالی در کشور تاکید می کنند تا اتخاذ روش های تندرانه فعلی از سوی دولت نهم باعث شده باشد آن دو خط موازی نیز به یکدیگر برسند. اصلاح طلبان معتقدند چون شکست هاشمی رفسنجانی از محمود احمدی نژاد در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری توأم با ناراحتی و نگرانی شدید رفسنجانی از تخریب های به عمل آمده در مورد او و خانواده اش در ایام انتخابات و نیز سیاست های داخلی و خارجی احمدی نژاد شده است، لذا به باور آنها اینک زمان مناسبی است تا مشی اعتدال گرایانه هاشمی را راجع از اختلافاتشان با وی دانسته و بر وجه اصلاح طلبانه او تاکید کنند. از سویی رفسنجانی هم در سخنان متعددی که در این ایام پیرامون انتخابات آینده مجلس ایراد می کند، بر این وجه خود بیشتر از گذشته صحنه می گذارد. از جمله او در دیدار با جمعی از نمایندگان دوره هشتم مجلس شورای اسلامی گفت "ایجاد زمینه مناسب برای برگزاری انتخاباتی سالم در فضایی رقابتی با حضور حداکثری مردم نیازی





## سید محمد خاتمی؛ رهبری اصلاحات پس از ۱۰ سال

جمهور پیشین در سرلیست انتخاباتی خود برای مجلس هشتم امتناع کند. هر چند این توجه ویژه از جانب اعتماد ملی موجب شد تا احزاب دیگر طرفدار خاتمی این رفتار حزب کربوبی را به نوعی فرصت طلبی سیاسی تلقی و آن را در جهت نگرانی رییس سابق مجلس شورای اسلامی از حضور خاتمی به عنوان یک رقیب قدرتمند در انتخابات دهم ریاست جمهوری ارزیابی کنند. در این راستا جبهه مشارکت ایران اسلامی به عنوان اصلی ترین حزب طرفدار خاتمی، ضمن مخالفت جدی با حضور مستقیم او در انتخابات مجلس، قرار گرفتن نام خاتمی را در سر لیست حزب اعتماد ملی برنتافته و شان و شخصیت وی را تنها در حد کرسی ریاست جمهوری دانست. در مقابل، حزب جدیدالتاسیس اعتماد ملی با تکذیب زود هنگام همه‌ی تحلیل‌ها در مورد قرار دادن نام خاتمی در لیست انتخاباتی خود، توانست آتش این اختلاف جدید درون گروهی میان اصلاح طلبان را روشن نشده خاموش کند. آنچه واضح است اینکه خاتمی چه در لیست

وقتی تابستان ۲ سال پیش، سید محمد خاتمی رییس جمهور پیشین ایران دست در دست محمود احمدی نژاد رییس جمهور منتخب داد تا پیش از ترک این مسند توسط خود، دفتر کار جدید احمدی نژاد را به او نشان دهد، هیچگاه روزی را تصور نمی کرد که ناچار شود برای کمک به همفکرانش به منظور حضور دوباره در قدرت دست به سفرهای استانی مشابه آنچه، جانشینش انجام می دهد بزند. سفرهایی که شیوه و زمان انجام آن، چنان انتخاب شده بود که حتی شایبه حضور دوباره او را در انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری آینده قوت می بخشید، هر چند خود او این گمانه زنی‌ها را رد و نسبت به کسب مجدد پست‌های اجرایی در هر سطحی ابراز بی میلی کرد. اما جالب آن که این موضع جدید خاتمی باعث نشد تا حزب اعتماد ملی به رهبری مهدی کربوبی (هم حزبی سابق خاتمی) از قرار دادن نام رییس

ضروری است و موجب استحکام و افزایش اعتبار نظام جمهوری اسلامی خواهد شد. " او در جایی دیگر پیرامون همین موضوع می گوید " سلامت انتخابات باعث اعتماد مردم و بالا بردن جایگاه انقلاب اسلامی در جهان می شود که به سرعت به سوی دموکراسی می رود."

بیان این مواضع اصلاح طلبانه از جانب رفسنجانی در حالی صورت می گیرد که خود وی همیشه علاقه مند بوده تا به او از جایگاهی فراتر از محور اصلاح طلب- اصولگرا نگریسته شود. به همین دلیل این روحانی کهنه کار از ابتدای انقلاب تاکنون هیچگاه اجازه نداده است تا از جانب حزب، دسته یا جناحی به گونه ای انحصاری مورد بهره برداری قرار گیرد و بنابراین تحلیل دیدگاه‌های او از جانب جناح‌های عمده کشور گاه از چنان وسعت متضادی برخوردار می شود که قرار گرفتن نام تخریب کنندگانش در جایگاه طرفدارانی سینه چاک برای او، چندان شگفت‌انگیز نباشد. اما اصلاح طلبان فارغ از این خصیصه هاشمی رفسنجانی، به این باور قطعی رسیده‌اند که باید او را پل پیروزی خود برای رسیدن به کرسی‌های مجلس و ریاست جمهوری تلقی کنند و بنابراین تصمیم گرفته‌اند تا هر چند به طور موقت به او به چشم یک رهبر اصلاح طلب بنگرند. اما همیشه این نگرانی وجود خواهد داشت که اگر پایان این مسیر توأم با پیروزی احتمالی اصلاح طلبان در دو انتخابات آینده باشد، آنگاه حتی ممکن است رویدادهای پاییز ۷۸ دوباره به صورتی دیگر تکرار شود.

### شرکت تولیدی و مهندسی

# حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

دارای تاییدیه قفسه ساخت دیگ بخار و آب داغ از TÜV آلمانی

---

**تولید کننده :**

|                     |                      |
|---------------------|----------------------|
| دیگ بخار            | مباتر شنی            |
| دیگ آب داغ و آب گرم | دی الکالیزر          |
| دی آرینور           | فلایش تانک بخار      |
| سیستی گیر           | جداتکننده آب از بخار |
| منجم کوبل دار       | جدا کننده هوا از آب  |
| مبدل حرارتی         | سبیم کنه انس         |

---

نشانی: تهران، خیابان طالقانی لرنی، شماره ۵۴۴ - تلفن: ۵۳۷۱ - ۱۵۸۸۵  
تلفن: ۷۷۶-۵۸۹۳ - ۷۷۶-۵۸۸۹ - ۷۷۶-۴۵۳۱

انتخاباتی احزاب همسو قرار بگیرد و چه از او نامی به میان نیاید، اما حضورش در تمام ۲ سال گذشته در عرصه‌های عمومی و مقابل دوربین‌های عکاسان و خبرنگاران رسانه‌های گروهی نه تنها کم نشده که این حضور پررنگ حتی منجر به تاسیس بنیادی از جانب او شد که با تجمع دولت مردان گذشته در آن، تاکنون بیشتر یادآور نوعی دولت در سایه بوده است تا یک سازمان غیر انتفاعی. جدای از این، می‌توان رفتار حساب شده و گفت‌مان خاص خاتمی را در برخورد با مقامات خارجی یا گروه‌های داخلی و یا آن چنان که اشاره شد شیوه سفرهای انتخاباتی او و انعکاس استقبال‌های وسیع مردمی از وی را نیز به لیست برنامه‌های ستادهای اجرایی اصلاح‌طلبان در یاری گرفتن از خاتمی به قصد فتح مجلس هشتم اضافه کرد تا او پس از ۱۰ سال به تدریج به این صرافت افتد که می‌تواند به عنوان رهبر جنبش اصلاحات، مثمر ثمر واقع شود.

### کروبی و ناامیدی از حمایت احزاب همسو

آن ایام که مهدی کروبی در کسوت ریاست بر مجلس شورای اسلامی با تندترین واژه‌هایی که می‌شد از زبان یکی از سران قوای سه گانه کشور شنید به دفاع از اصلاح‌طلبان می‌پرداخت، شاید به آن جمله معروف تئوریسین اصلاحات فکر می‌کرد که زمانی گفته بود جنبش اصلاح‌طلبی مردم ایران اصولاً جنبشی بدون سر است. اگرچه دامنه بیان این گفته هیچگاه آن چنان وسعتی پیدا نکرد تا شخص

اصلاح طلبان باید باور کنند که شعله‌های اختلاف را برای همیشه واقعی دست زنند و یا برای همیشه قید با هم بودن را بزنند تا آنگاه هر گروه با شناسنامه‌ای جدید و با سیاست‌های خاص خود وارد کارزار سیاست‌ورزی شود

دیگری از اصلاح‌طلبان را به جای خاتمی که در پذیرفتن رهبری اصلاحات تردید می‌کرد، به عنوان راس جنبش معرفی نماید، اما تردیدی نیست که موضع‌گیری‌ها و رایزنی‌های متعدد کروبی با جناح‌های مختلف کشور، همیشه تمایل فراوان او را به منظور بر عهده گرفتن این نقش به اثبات رسانده است.

این موضوع به خصوص آن جایی خود را بهتر نشان می‌دهد که بدانیم دبیر سابق مجمع روحانیون مبارز چه آن زمان که به منظور حضور خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۷۶ به حمایت جدی از او پرداخت و چه در تمام مدتی که پس از پیروزی خاتمی در آن انتخابات به حل و فصل مناقشات به وجود آمده میان طرفداران او و اصول‌گرایان مشغول بود، همواره تلاش می‌کرد تا خود را هرچه بیشتر به راس جنبش اصلاحی کشور نزدیک کند. اما این تلاش‌ها از جانب کروبی چندان موثر واقع نشد، چه از طرفی اصلیت‌ترین حزب نزدیک به خاتمی - جبهه مشارکت - هیچگاه چنین نقشی را برای کروبی قایل نشدند و نیز از طرف دیگر حزب نزدیک به هاشمی رفسنجانی - کارگزاران سازندگی - در حل اختلافات جدی خود با کروبی اقدامی نکردند تا این همه موجب شود کروبی خود در انتظار فرصت مناسب بنشیند تا به تنهایی دست به اقدامی زند. فرصتی که با پیروزی غیرمنتظره محمود احمدی‌نژاد در انتخابات نهم ریاست جمهوری به دست آمد تا مهدی کروبی با انتقاد از گروه‌های اصلاح‌طلبی که در این انتخابات از او حمایت نکردند، به طور کلی راه خود را از سایر اصلاح‌طلبان جدا کرده و به تنهایی برای رسیدن به راس جنبش اصلاحی ایران برنامه‌ریزی کند. اگر چه او هم با درک شرایط حساس کنونی و با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس شورای اسلامی، امروز بیشتر به اتحاد فکر می‌کند تا انشقاق.

### نتیجه "اتحاد در سایه اختلاف" جز شکست نخواهد بود

اصلاح طلبان روزهای ملت‌پوی را سپری می‌کنند. آنها از طرفی نگران عدم گرایش آرای مردم به سوی خود هستند و از طرف دیگر چگونگی برگزاری انتخابات پیش رو در دولت نهم و نیز عملکرد شورای نگهبان در مورد تایید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی هم به نگرانی آنها دامن زده است. عوامل مهمی که ممکن است یک بار دیگر

مقدمات شکست این گروه‌ها را در انتخابات مهیا نماید. اما اصلاح‌طلبان باید بدانند که خاستگاه عمده نگرانی آنها از شکست احتمالی در ۲ انتخابات آینده ریشه در جای دیگری به جز آنچه گفته شد دارد.

تشکیل جبهه اصلاحات از ابتدا مبتنی بر فعالیت طیف وسیعی از گروه‌هایی بود که در دیدگاه‌های خود اعم از سیاسی، اقتصادی و... به شدت با یکدیگر در تضاد بودند. طیفی که اگر یک سرش را تندروری چپ‌گرایانه تشکیل می‌داد اما در سوی دیگری محافظه‌کاری راست‌گرایانه قد علم کرده بود. این تنوع وسیع دیدگاه‌ها در حالی از خرداد ۷۶ تاکنون وجود داشته است که خود در تمام طول این سال‌ها باعث شده تا هیچگاه یک اتحاد دایمی و همیشگی میان این گروه‌ها به وجود نیاید. البته این گروه‌ها در ظاهر بسیار تلاش کرده‌اند تا این اختلافات را کم‌رنگ جلوه داده و حتی بارها از ائتلاف با یکدیگر خبر داده‌اند، اما نتایج حاصل از این رایزنی‌ها آن چنان مملو از شکست‌های فاحش بود که امروز دیگر کسی را باور آن که روزی ممکن است گروه‌های دوم خردادی به زیر چتری واحد گرد هم آیند، نیست. اصلاح‌طلبان باید بپذیرند که دشواری کار آنها در ۱۰ سال گذشته دقیقاً نشأت گرفته از همین موضوع بوده است. چه اتحاد در سایه اختلاف، علاوه بر آن که برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را با دشواری مواجه می‌سازد، از طرفی نیز هرگز نخواهد توانست پایه‌گذار روندی گردد که در آتیه تضمین به روی کار نیامدن دولتی با سیاست‌های تندرورانه را از بطن دولتی اصلاح‌طلب به کسی دهد.

اصلاح طلبان باید باور کنند که شعله‌های اختلاف را برای همیشه خاموش و به ائتلافی واقعی دست زنند و یا برای همیشه قید با هم بودن را بزنند تا آنگاه هر گروه با شناسنامه‌ای جدید و با سیاست‌های خاص خود وارد کارزار سیاست‌ورزی شود. بی‌گمان در این صورت اصلاح‌طلبان باید تبعات حاصل از این چنین تصمیمی را نیز بپذیرند؛ آن چنان که در اولین گام، آرای یکپارچه رای دهندگان خود را از دست خواهند داد تا نتیجه چیزی جز آنچه پیش از این آزموده شده است نباشد. امری که امروز قطعاً خود این گروه‌ها نیز ظرفیت پذیرش آن را ندارند تا همان راه اول بیشتر به چشم آید و همگان در این مسیر، در انتظار فعالیت حساب شده و توأم با اتحاد آن رهبر اصلی اصلاحات باقی مانده و ائتلافی راستین را چشم انتظار نشینند.